

صفحه ۱۲۳۳ در غزل عندلیب کاشانی مطلعی است بدین صورت:
 از سر زلف توام نکه‌تی آورد نسیم باز نشاند مرا بر سر سودای قدیم
 که لابد شکل صحیح آن چنین است: باز بنشاند مرا بر سر سودای قدیم.
 در صفحه ۱۲۶۵ شرح حالی از غزال کرمانی آمده و قصیده‌ای از او نقل گردیده
 است که با این ابیات آغاز میشود:

ای برگلت از عنبر تر آمده چنبر از چنبر تو ریخته بر روی گل، عنبر
 آن عنبر همه نقطه و آن نقطه همه دل وان دل همه افسانه ز عشق تو در آذر
 معلوم است در مصراع اول بیت دوم، وزن شعر اختلال دارد.

در صفحه ۱۲۹۶، در شعر فیروزی فارسی چنین آمده:
 فیروزی اگر سعدی عصر است عیب نیست کاز تربیت معتمد شاه جهان است
 صورت صحیح شعر باید چنین باشد: فیروزی اگر سعدی عصر است عجب نیست!

در صفحه ۱۴۰۴، ضمن مثنوی قآنی بدین بیت برمیخوریم:
 گه به ایمانی کند شق القمر گه بنا بد مهر را از باختر
 در این بیت هم غلط چاپی راه یافته و باید بدین ترتیب اصلاح شود: گه به ایمانی کند
 شق القمر!

همایون صنعتی
 (کرمان)

فرهنگ و اژده‌های نجومی در شعر فارسی

تألیف دکتر ابوالفضل مصفی چاپ دوم. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۶

نویسنده این سطور فاقد صلاحیت علمی و فنی درباره موضوع کتاب است. اما در
 بیست سال اخیر عمده اوقات فراغت خود را بطور تفریحی در موضوع تاریخ تحول علم
 نجوم و خواهر توأم آن تنجیم در فلات ایران صرف نموده است. پس آنچه خواهد
 آمد از دیدگاه یک علاقمند و تفریح به موضوع است و نه رأی و نظر دیده‌وری بیطرف
 و بی‌تعصب.

حقیقت حال این است که فرهنگ و اژده‌های نجومی در شعر فارسی برای مراجعه
 کننده جز سرگردانی ثمری ندارد. برای مثال نگاه کنید به عناوین مقالات و تعریف‌های
 آن عناوین که از قسمت حرف الف کتاب بطور اتفاقی انتخاب شده است:

۱- رجوع کنید به عنوان «آذر» در صفحه ۶ کتاب:

«آذر - ماه نهم، در تقویم پارسی و ماه نهم در تقویم جلالی (رك: ماههای پارسی،

ش ۹) و چون به عنوان «ماههای پارسی» رجوع می‌کنید (از سطر آخر صفحه ۷۰۱ تا
 آخر عبارت اول صفحه ۷۰۶) صفحاتی که بایستی این مقاله در آن باشد چنین عنوانی
 را نمی‌یابید. اما در صفحه ۷۰۴ مقاله‌ای دیده میشود با عنوان «ماههای پارسی» و چون

در اواخر این مقاله بیتی وجود دارد به شماره ۹ و حاوی اسم آذر است کم و بیش یقین می‌کنید که بالاخره تعریف جامع و مانعی از «ماههای پارسی» را پیدا کرده‌اید. آنگاه خواهید خواند که:

ماههای شمسی فارسی: فروردین (۱)، اردیبهشت (۲)، خرداد (۳)، تیر (۴)، مرداد (۵)، شهریور (۶). هر کدام سی روز، مهر (۷)، آبان (۸)، آذر (۹)، دی (۱۰)، بهمن (۱۱) هر کدام بیست و نه روز، اسفند (۱۲) یکسال بیست و نه روز!! و یکسال سی روز!!

خوب بود مؤلف امین و صدیق توضیح داده بود که مأخذ ایشان برای نوشتن این مطالب چیست. کی و کجا شهریور سی روزه به دنبال خود مهر ماه بیست و نه روزه داشته است. سال شمسی فارسی چگونه می‌تواند ۳۵۴ و یا ۳۵۵ روز باشد آنهم یکسال در میان.

۲- در مقاله اسطرابل نشانی صفحات التفهیم غلط است.

۳- در مقاله «افریجیون» آمده است که کلمه آپوژه (حیض) اروپایی است. کدام زبان اروپایی؟

۴- در مقابل عنوان «اشفاق قمر» آمده است: رجوع کنید بانسحاق قمر!

۵- مقاله «انوا» در صفحه ۶۰ کتاب غلط است.

۶- مقاله تحت عنوان «اوج» در صفحه ۶۲ غلط است.

۷- مقاله تحت عنوان «اوقات کسوف» نقل شده از التفهیم خالی از اشتباه نیست.

خلاصه آنکه در قسمت حرف الف کتاب که شصت و نه صفحه میشود نزدیک به یکصد و چهل غلط ازین دست و مقادیری غلط چاپی است.

مطالب دیگر کتاب از این قبیل است که بطور تصفح و از روی تصادف نقل میشوند.

۱- خورشید سیاره‌ای است از قبیل اورانوس و نپتون و پلاتو - مقاله سیارات علوی (صفحه ۴۲۴).

۲- منوچهری شاعر قرن چهارم در اشعار خود از درختی اسم میبرد که بومی ایران نیست و مخصوص آمریکای استوائی است. (ذیل صفحه ۴۵۸).

۳- در مقاله‌ای تحت عنوان «شیر و خورشید» (ص ۲۶۱) آمده است:

ب: خورشید در برج اسد یا مرداد ماه کوتاهترین فاصله را با زمین دارد. زیرا نیمکره شمالی در هنگام مرداد ماه تقریباً در دورترین فاصله از خورشید است. علت گرمای تابستان و سرمای زمستان دوری یا نزدیکی زمین از خورشید نیست. اگر فاصله از خورشید علت گرمای تابستان و سرمای زمستان می‌بود لازم می‌آمد که تابستان نیمکره جنوبی با تابستان نیمکره شمالی هم‌زمان باشد. مگر اینکه مؤلف بگوید این دو نیمکره از یکدیگر جدا بوده و چون نیمکره شمالی به خورشید نزدیک میشود نیمکره جنوبی از خورشید دور میگردد!!

۴- در صفحه ۴۴۳ آمده است صابین از فرقه‌های اسلامی می‌باشند.

۵- در صفحه ۴۶۸ آمده است: صبیح ثانی = صبیح صادق - پس از صبیح حقیقی.

در صفحه ۴۶۹ صبح صادق = رجوع کنید صبح دروغ در مقابل صبح دروغ آمده است = صبح کاذب.

۶- در صفحه ۶۸۸ شعر ۹ از حافظ غلط نقل شده است.

۷- مقاله «عرقوه» صفحه ۵۵۹ سراسر غلط است.

۸- مقاله عطارد (صفحه ۵۱۱): حرکت انتقالی عطارد ۸۸ روز است و نه سیصد و شصت و پنج روز و اندی.

۹- صفحه ۵۲۲: کهکشانی به نام کهکشان راه‌شیری نمیشناسیم. راه شیری همان است که در فارسی بدان کهکشان میگویند.

۱۰- صفحه ۵۳۸: در مقاله عیوق میگوید زمین در فاصله چهارده سال نوری! منظومه شمسی واقع است. هر مقدمات خواننده‌ای میداند که فاصله زمین تا خورشید فقط هشت و اندی دقیقه نوری است.

نویسنده کتاب در صفحه ۵۸۳ اذعان و اقرار دارد که از موضوع و مطلب علم نجوم و خواهر توأمان آن تنجیم سررشته و اطلاع ندارد. اما در دو مقاله «حد» و «حدود» مؤلف کتاب نه‌بنوان ادعا و پیشنهاد بلکه بمشابه امری واقع شده و قطعی، معماهایی را که بزرگان پیشین نجومی مانند ابوریحان و بطلمیوس نتوانسته بودند حل نمایند می‌گشاید.

یکی از موضوعات مورد مناقشه در بین اهل تنجیم، جداولی است که از قدمت آنها اطلاع صحیحی در دست نیست و هر یک از آنها مورد قبول گروهی از اهل تنجیم می‌باشد. مثلاً بطلمیوس نسبت به جدول «حدود» مصریان بی‌اعتقاد است و جدولی را بکار می‌گیرد که با جدول مصریان تفاوت‌های آشکار دارد و در بیان این مطلب که این جدول را در کتابی قدیمی یافته است اصرار و ابرام دارد.

درباره اهمیت این جداول که قرنهای قرن نویسندگان و کاتبان در طابق‌النعلم بودن آن با اصل اصرار ورزیده‌اند، کافی است متذکر شد که با احتمال زیاد این جداول از حلقه‌های مفقوده مابین علم نجوم و علم تنجیم در قرنهای قبل از میلاد مسیح باشد. آقای دکتر ابوالفضل مصفی اعتقاد دارند که بطلمیوس و ابوریحان و خواجه نصیر و امثال آنان نمی‌دانسته‌اند و این اسنادی را که این همه در حفظ و حراست آن کوشیده‌اند بی‌ارزش و بی‌معنی می‌باشند. بهمین سبب ضمن اسم بردن از جدول حدود مصریان و جدول حدود مورد قبول بطلمیوس و غیره، اسناد اصلی، یعنی خود جدولهای چندین هزار ساله را پاره می‌کنند و دور می‌اندازند و در «فرهنگ واژه‌های نجومی شعر فارسی» نمی‌آورند. در عوض خود ایشان براساس معلومات شخصی جدول حدودی تازه‌ای را استخراج میکنند.

اصول و قواعدی را که دکتر ابوالفضل مصفی برای استخراج جداول «حدود» وضع کرده‌اند نمیتوان شرح و توصیف نمود. فقط باید مثال آورد:

فرض بفرمایید کسی بگوید هرچه کتاب تاریخ در ایران نوشته‌اند غلط است.

روش درست برای مطالعه تاریخ صحیح ایران این است که اسامی پادشاهان و سلاطین و حکام را از قدیمترین زمان تا این عصر برترتیب حروف الفبایی اول اسم آنها تنظیم نمود.

اینکه میگویند شاپور ذوالاکتاف قبل از انوشیروان حیات داشته است و حکومت می نموده غلط تاریخی و اشتباه حاصل از جهالت تاریخ نویسان است. درست این است که انوشیروان قبل از شاپور زنده بود و سلطنت کرد زیرا حرف الف قبل از حرف شین است.

آینده: چون درین گفتار از زحمت مؤلف در مراجعه و استخراج مطالب از متون قدیم و هدف و منظور و طرح او یادی نشده است امیدواریم در آن زمینه شرحی برای درج به مجله برسد.

پژوهشنامه

جمشید صداقت کیش دومین شماره «پژوهشنامه» و «فارسنامه» را به همراه در زمستان ۱۳۶۶ در شیراز منتشر کرد و مثل دوره پیشین و شماره اول دوره تازه حاوی اخبار و آگاهی های تازه از پیشرفت مطالعات و انتشار کتابهای نو است. امیدواریم ایشان امکان آن بیابد که این نشریه زراکسی را چاپ کند و آسانتر به دست علاقه مندان رسد.

جاده ابریشم

مرکز یونسکو (پاریس) تحقیق در موضوع سابقه جاده ابریشم و مسائل تمدنی آن را جزء طرحهای تحقیقاتی شمرده است و دولتهایی را که علاقه مندند به شرکت دعوت و ترغیب کرده است.

آقای دکتر احسان نراقی دوسال پیش به پاریس رفته و سمت مشاور مدیر کل یونسکو یافته، گزارشی را منتشر ساخته و در آن امکانات دانشمندان ایران را توضیح داده است - به نظر او مطالعاتی که درین زمینه شایسته است انجام شود عبارت است از جغرافیایی و منطقه شناسی، تاریخ و باستانشناسی، ادبیات و فولکلور، معماری و هنر.

حافظ شناسی

سه دفتر (۷ و ۸ و ۹) حافظ شناسی که به ابتکار و اهتمام سعید نیاز کرمانی آغاز شده است و سی و هشت مقاله در آنها آمده بخش شد و مثل همیشه حاوی چندین مقاله خواندنی و پژوهشی بود و نیز منقولات و نوشته هایی که تجدید چاپ آنها لزوم داشته. انتشار این گونه مجموعه ها باید تشویق بشود. پس امیدست توقیفی در انتشار آن پیش نیاید.